

امام و قطع رابطه

و

با

مصر



شورشگاه علوم و معارف انقلابی

رساله جامع علوم انسانی

بالاخص برای نظام جمهوری اسلامی ایران ترسیم نموده است و در چنین صورتی داغ جانکاه فقدان آن امام عظیم الشان تا حدودی جبران گردیده و تسلی خاطر امت حاضر در صحنه های انقلاب را فراهم می سازد. اگر دلسوز حال کشور و ملت هستید باید در حفظ امام و مبستنی بر رهنمودهای امام گام بردارید، اگر به فکر نجات محرومین و مستضعفین ایران و جهان می باشید، باید در این راه حرکت کنید، حتی اگر برای «امنیت ملی ام القرای جهان اسلام» می خواهید برنامه ریزی کنید اصلی ترین و مهمترین تأمین و حفظ امنیت در ایران اسلامی، اطاعت و انقیاد

اگر بپذیریم که در ارتباط با واقعیت های جهان کنونی انقلاب اسلامی به عنوان منجی انسانهای مظلوم و تحت سلطه راه حلها و نظرات مستقل و مشخصی دارد و تعریفهای معینی درباره نظامهای موجود عالم به جهانیان عرضه کرده است و نیز اگر باور داشته باشیم که این تعاریف و نظرات منبعث از متن اسلام ناب محمدی (ص) بوده که بر زبان و قلم نایب برحق امام زمان (عج)، یعنی خمینی کبیر جاری گشته و به ما تعلیم داده شده است، در چنین صورتی قادر خواهیم بود با نصب العین قرار دادن گفتارها و نوشتارهای امام پیرامون مسائل مختلف معیارها و اصول برخورد صحیح با آن مسائل را درک کرده و به آنها عمل نمائیم.

مردم مستعبد و مؤمن به انقلاب، حزب اللهی ها و نیز مسئولین دلسوز محرومین در طول عمر بیش از دوازده ساله انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، این امر را بارها و بارها در مرحله امتحان و عمل به تجربه دریافته اند که هرگاه صادقانه رهنمودهای امام را به دور از حب و بغض های بانندی و گروهی بر پیش روی خویش قرار داده و به آنها عمل نموده اند و از همان دریچه پاکی که امام خمینی (سلام الله علیه) به وقایع و رخدادهای جهان می نگرستند به آنها نگاه می کرده اند، چگونه به موفقیت های بزرگی نائل شده و چه دستاوردهای عظیمی را در ابعاد مختلف کسب نموده اند. در واقع صحت شعارهای خط امام تاکنون دهها بار با عمل محک زده شده و هر بار نتیجه و ثمره ای گرانقدرتر و ارزشمندتر نصیب مسلمین عصر حاضر کرده است. به همین علت آنچه باید در دوران پس از رحلت امام مورد تعقیب و پیگیری مسئولین متعهد باشد همانا تداوم حرکت در مسیر و خطی است که امام خمینی (س) برای پیروان خویش و عاشقان انقلاب جهانی اسلام و نیز

در مقابل خط امام است زیرا در غیر این صورت مردم ما افکار و اعمال مغایر با رهنمودهای امام را تحمّل نخواهند کرد و همین امر موجبات بروز ناآرامی ها و برهم خوردن «امنیت ملی» خواهد شد.

ذکر این مقدمه مختصر و بیان این ام الاصول انقلاب و نظام، که در واقع حیات انقلاب و نظام در گرو زنده نگه داشتن همین اصل یعنی معیارها و اصول و رهنمودهای امام خمینی (سلام الله علیه) می باشد، زمینه وارد شدن به بحث در یکی از مقولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را فراهم ساخت موضوعی که امام در مورد آن نظر مشخصی را ابراز نموده و حتی حکمی مولوی درباره آن صادر کرده اند یعنی: «قطع رابطه ایران انقلابی و اسلامی با رژیم مصر معاهد با اسرائیل.»

امام و حکم قطع رابطه با مصر

سابقه قطع رابطه جمهوری اسلامی ایران با رژیم مصر به ماههای اولیة انقلاب بازمی گردد. هنوز یکماه از رسمیت یافتن جمهوری اسلامی ایران نگذشته بود که امام خمینی (س) فرمانی به این شرح خطاب به وزیر امور خارجه وقت صادر نمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور

خارجه

با در نظر گرفتن پیمان خانانه مصر و اسرائیل و اطاعت بی چون و چرای مصر از آمریکا و صهیونیست، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع روابط دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید.

روح الله الموسوی الخمينی

گرچه فرمان امام در یک جمله خلاصه شده

لیکن ملاکهای اساسی صدور فرمان به صورت بارزی در همین مختصر نیز ذکر گردیده است. این ملاکها عبارتند از: «پیمان خائسانه مصر و اسرائیل» (پیمان ننگین کمپ دیوید) و: «اطاعت بی چون و چرای دولت مصر از آمریکا و صهیونیست» بدین ترتیب تا زمانی که رژیم مصر دارای این دو ویژگی است باید توسط جمهوری اسلامی ایران مورد قهر و بی مهری قرار گرفته و هیچگونه رابطه‌ای با چنین دولت خائسی برقرار نشود. امام قبل از صدور این حکم طی پیامی به مسلمانان جهان اعلام نمودند:

«اینجانب بیش از ۱۵ سال است که خطر اسرائیل غاصب را گوشزد کرده‌ام و به دول و ملل عرب این حقیقت را اعلام نموده‌ام، اکنون با طرح استعماری صلح سادات و اسرائیل این خطر بیشتر و نزدیکتر و جدی‌تر شده است. مصر با قبول این صلح، وابستگی خود را به دولت استعمارگر آمریکا آشکارتر نمود. از دوست شاه سابق ایران بیش از این نمی‌توان انتظار داشت. ایران خود را همگام با برادران مسلمان کشورهای عربی دانسته و خود را در تصمیم گیرهای آنان شریک می‌داند. ایران، صلح سادات و اسرائیل را خیانت به اسلام و مسلمین و برادران عرب می‌داند و موضع‌های سیاسی کشورهای مخالف این پیمان را تأیید می‌کند.»

(۵۸/۱/۵)

بدین ترتیب امام می‌خواسته‌اند جهان اسلام را حول محور مخالفت با اسرائیل غاصب متحد ساخته و دولت مصر که به صورت بلندگوی سازش با اسرائیل در دست آمریکا قرار گرفته و دیگر دولت‌های عربی و کشورهای اسلامی را تشویق به تسلیم در برابر آمریکا و صهیونیسم نموده و می‌نماید، را منزوی و مطرود سازند. حکم قطع رابطه با مصر به دولت نیز در همین ارتباط معنا و مفهوم می‌یابد. امام در قسمتی از پاسخ خویش به پیام قذافی رهبر لیبی در این رابطه چنین نوشتند:

«دولت‌های اسلامی باید دولت مصر را در این خیانت بزرگ که به اسلام و مسلمین نموده است

به جای خود نشانند و با آن قطع رابطه کنند. ملت مصر باید دست این خیانتکار را از کشور خود قطع کند و ننگ سرسپردگی به آمریکا و صهیونیسم را از ملت بزدابند. من به دولت دستور دادم که با مصر قطع رابطه نماید. ما دست برادری به تمام ملت‌های اسلامی می‌دهیم و از تمام آنان برای رسیدن به هدف‌های اسلامی استمداد می‌کنیم.»

(۵۸/۲/۱۷)

نگاهی به رهنمودهای امام در مناسبت‌های مختلف، نشان می‌دهد که ایشان پس از پیمان کمپ دیوید به چه میزان از این حرکت خائسانه اظهار انزجار و تنفر کرده و خواهان برخورد با عوامل آن خصوصاً انور سادات مصری بودند:

«(سادات) خیانت به اسلام و مسلمین کرده است، اینکه با کافر و بگین در کمپ دیوید آن قرارداد را کرده است برخلاف مصالح مسلمین، این خیانت به اسلام است. اینکه حمایت از خائن بر مسلمین می‌کند خیانت به اسلام است. اینها همه خیانت به اسلام است و سادات خائن به اسلام است و من از ملت مصر می‌خواهم که این خائن را برکنار کنند، چنانکه ما آن خائن (شاه) را برکنار کردیم.»

(در مصاحبه با خبرنگار سی‌بی‌اس ۵۸/۸/۲۷)

اما کارنامه خیانت بار رژیم خائسانه مصر محدود به سازش با اسرائیل نمی‌گردد اگر چه امضای این پیمان ننگین برای اشتیاق ماهیت سادات و دولت آمریکایی مصر کفایت می‌نماید ولی دیگر اقدامات این رژیم بر علیه مسلمانان و جمهوری اسلامی ایران را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت لذا با جملاتی از امام این کارنامه ننگین را می‌توان مرور کرد.

کارنامه ننگین رژیم مصر به روایت امام خمینی

در صدر این کارنامه ننگین:

الف. مشارکت در توطئه کمپ دیوید.
ب. اطاعت بی چون و چرا از شیطان بزرگ

قرار دارد که قبلاً درباره آن جملاتی از امام ذکر گردید.

ج. راه دادن شاه فراری ایران به آن کشور: در پی پیروزی انقلاب اسلامی و فرار شاه از ایران، در حالیکه باز گرداندن محمّد رضا خائن و محاکمه او به عنوان یکی از خواسته‌های بحق مردم ایران مطرح بود، انور سادات رئیس رژیم مصر با دعوت از شاه برای اقامت در آن کشور به صورتی بارز در برابر خواست عمومی ملت انقلابی ایران ایستاد و در جهت حفظ حیثیت آمریکا، مهره سرسپرده او را پناه داد.

امام خمینی در این باره فرمودند:

«ملت بزرگ مصر که از ننگ سادات خیانتکار به ننگ آمده بودند، اکنون مواجه با نحمّل ننگ بزرگتری شده‌اند که با دسیسه و توطئه شیطان بزرگ بر آنان تحمیل شده است. شیطان بزرگ برای رسیدن به چند سال مسند جنابت، به هر وسیله ممکن دستاویز و به هر نقشه شیطانی متشبث می‌شود، محمّد رضا را به مصر تحمیل و خود را از آن بی‌خبر معرفی می‌کند... کارتر باید بداند که با فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذرخواهی از اشتباهات گذشته و اعتراف به خیانت‌های آمریکا به ملت‌های مظلوم از آن جمله ایران و راه حل لانه جاسوسی را از من که یک نفر از ملت بزرگ ایران هستم خواستن، به بیراهه رفتن است.»

(پیام مناسبت ۱۲ فروردین - ۵۹/۱/۱۲)

د. دعوت و تشویق آمریکا برای حمله به ایران اسلامی

پس از محرز گردیدن بعد ضد استکباری و ضد آمریکایی انقلاب اسلامی و سازش ناپذیری رهبری انقلاب در برابر شیطان بزرگ، سادات به منظور پرکردن خلاء شاه مخلوع و جبران ضربه‌ای که بر پیکر آمریکا در قبال پیروزی انقلاب در ایران و نیز اوج گیری انقلاب دوم، تسخیر لانه جاسوسی، وارد آمده بود به حرکت‌های خائسانه مبادرت ورزید. امام خمینی درباره این اقدامات

چنین فرمودند:

«چطور من به دولت مصر بگویم دولت اسلامی؟ این دولتهایی که در ممالک اسلام هستند، اینها را می بینم که بر ضد مسلمین، بر ضد این مسلمینی که الآن در ایران مقابل آمریکا و مقابل شوروی ایستاده اند، آنها پایگاه درست می کنند برای آمریکا که بیا حمله کن به مسلمین. ما چطور می توانیم اتمال سادات را که پایگاه درست می کند و دعوت می کند از آمریکا که هجوم کنند به ایران و به مملکت اسلامی، چطور ما می توانیم این را مسلم بدانیم.»

(۵۹/۵/۱۵)

«امروز اسرائیل و دوست صمیمی اش مصر، در منطقه، در فکر ایجاد یک هسته مرکزی برای نابودی مسلمان ها و ارزش های عالی فکری آنها می باشند، اخیراً عراق و بعضی سران کشورهای منطقه هم با این طرح موافقت نموده اند... ملت ما و ملل آزاد جهان باید در مقابل این دسیسه های خطرناک با شجاعت و آگاهی ایستادگی نماید.»

(۵۹/۱۱/۲۲)

هـ. حمایت از تجاوز صدام به ایران

رژیم مصر از جمله دولتهایی بود که صدام را در تمامی مراحل تجاوزش به میهن اسلامی ایران با پشتیبانیهای سیاسی و تسلیحاتی و حتی اعزام نیروی نظامی، همراهی کرده و حمایت از رژیم یعنی عراق در مقابل ایران مهمترین محور تبلیغات و سائل ارتباط جمعی این کشور را تشکیل می داد. امام خمینی در اشاره ای به این مسأله فرموده اند:

«حکام غاصبی که در جنگ بین کفاری چون اسرائیل و صدام با مسلمین، طرف کفار را گرفته و به اسلام و مسلمین ضربه وارد می کنند، از صحنه اسلام باید خارج شوند و از حکومت بر مسلمین باید برکنار گردند. ملت های شریف مصر و عراق و دیگر کشورهای تحت سلطه منافقان باید قیام کنند...»

(پیام به مناسبت روز جهانی قدس ۶۰/۵/۱۰)

و. دستگیری مسلمانان و اجرای سانسور شدید در مساجد توسط سادات

خاصیت حکومت های سرسپرده گذشته از وابستگی به قدرتها در سیاست خارجی، در نحوه برخوردشان با ملت های خود نیز متجلی می گردد. رژیم سرسپرده مصر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در جهت سرکوب حرکتها و قیامهای مردمی، دست به تحرکات گسترده ای بر علیه مسلمانان این کشور می زند. این سیاست در اواخر عمر ننگین انور سادات به مرحله اجرا در آمد امام خمینی در این زمینه فرمودند:

«امروز سادات با دستگیری وسیع برادران مسلمانان در مصر، خدمت خود را به اسرائیل به اتمام رسانیده است. اتحاد او با آمریکا و اسرائیل، آبروی ملت عرب را ریخته است. اتحاد با اسرائیلی که این روزها علاوه بر جنایاتش در منطقه، دست به جنایت بزرگ دیگری زده است و آن حفاری در مسجد اقصی قبله اول مسلمین است که با ست شدن پایه های این مسجد خدای ناکرده قبله اول مسلمین خراب خواهد شد و اسرائیل به آرزوی پست خود خواهد رسید.»

(پیام به حجاج بیت الله الحرام. ۶۰/۶/۱۵)

«سادات تمام مساجد را از قراری که خیرگزارها نقل می کنند، تمام مساجد را تحت کنترل خودش در آورده و همه اینها را ممنوع کرده از اینکه در سیاست دخالت کنند. علمای مصر به قول سادات نباید در امور سیاسی دخالت بکنند، مسجد بروند، منبر هم بروند لکن همان مسائلی که متعارف بود سابقاً در اینجا و آنجا، همین اینها را باید بگویند دیگر غیر از این پا را فراتر نگذارند... این نقشه ای که سادات دارد انجام می دهد، این همان طرحی است که سابقاً در ایران هم انجام گرفت و لکن حالا چون علمای مصر یک قدری توجه به مسائل دارند، می خواهند در امور دخالت کنند، او وحشت کرده از اینکه مبادا اینها دخالت کنند و حکومت او را متزلزل کنند.»

(۶۰/۶/۱۸)

حسینی مبارک جانشینی نندتر از سادات در نوکری آمریکا و اسرائیل

بدنبال اعدام انقلابی انور سادات به دست خالد اسلامبولی، آمریکا مهره دیگری از جانب خود را در رأس حکومت مصر قرار داد. حسینی مبارک که قبل از به قدرت رسیدن، پستهای فراوان و حساسی را در دولت سادات بر عهده داشت به محض انتصابش به ریاست دولت بر ادامه راه سادات تأکید نموده و سیاست سرکوب مسلمانان را با شدت بیشتری دنبال نموده و پیمان ننگین کمپ دیوید را مورد تأیید قرار داد و پیگیری آن را دستور کار دولت خویش عنوان کرد.

امام خمینی که اوضاع را برای مردم مسلمان مصر خطرناک می دیدند بمنظور جلوگیری از قوت گرفتن دولت غاصب حسینی مبارک هشدارهایی خطاب به مردم و علمای مصر داده و از آنان می خواستند که از آشفتگی بوجود آمده در اثر معدوم شدن سادات استفاده کرده و زمام امور را از دست آنان خارج نمایند. نگاهی به سخنان امام در این زمینه نشانگر ماهیت حسینی مبارک و رژیم مصر از دیدگاه ایشان است.

امام خمینی در این رابطه فرمودند:

«ما دیدیم که قبل از اینکه سادات ساقط بشود، آمریکا جانشین برای او معین می کرد سادات باز زنده بود و داشت مثل حیوانات راه می رفت لکن آمریکا پیش بینی کرد که باید به جای او که باشد. آن نوکری که همه حیثیت خودش را به باد داد در خدمتگزاری به آمریکا، آن روزی که کشته شد و آن طور بساط در مصر پیدا شد این رئیس جمهور تحمیلی ثانی (حسینی مبارک) که خیال دارد در مصر مثل آن حکومت کند و درست خودش را در اختیار آمریکا گذاشته است، قبل از اینکه به ریاست برسد اعلام هبستگی خودش را با اسرائیل و آمریکا کرده است، ندیده است که همانظوری که سلف طالح اش (سادات) به واسطه خشم ملت به جهنم واصل شد او را هم خواهند همین عمل را با او کردند...»

ملت مصر از حکومت نظامی نترسد و به او اعتنا نکند و همانطور که ایران حکومت نظامی را شکست و به خیابانها ریخت آنها هم بشکند و به خیابانها بریزند... و این دولتی که می خواهد با سرنیزه با اسلام مخالفت کند و به صراحت می گوید که هرکس که به اسلام وفادار باشد او را سرکوب می کنیم، این تکلیفی است برای ملت مصر، برای علمائی که وابسته به حکومت نیستند، این تکلیفی است برای علماء، علمای مصر بپاخیزند و برای خاطر خدا از اسلام دفاع کنند... ارزش مصر توخته کند به اینکه اگر چنانچه بخواهد پشتیبانی کند از این حکومتی که اعلام کرده است که من تابع آمریکا هستم و اسرائیل و من هرکس دم از اسلام بزند او را خفه می کنم، این ننگ را به خودش ارزش مصر راه ندهد و مهلت ندهد تا بعد از این باز اسرائیل بیاید و به شما حکومت کند و اسرائیل و آمریکا مقدرات شما را در دست بگیرند...»

(۶۰/۷/۱۷)

همانگونه که به روشنی ملاحظه می گردد امام خمینی با دولت غاصب حسنی مبارک برخوردی همچون دولت غاصب و رژیم ستشاهی ایران در اواخر سقوط آن رژیم داشته و برخوردی قهرآمیز را با چنین دولتی واجب اعلام کرده اند. حکم امام در این زمینه شاید در جملات ذیل الذکر روشن تر و صریحتر بیان شده باشد:

«ملت مصر اعتنا نکند به این حکومت جائزی که اعلام می کند که ما هرکس اسم از اسلام ببرد سرکوب می کنیم. بدانند که اسلام در مصر در خطر است و واجب است بر زن و مرد مصری که قیام کنند و این حکومت فاسد را که از اول اعلام جنگ با اسلام داده است سرکوب کنند.»

(۶۰/۷/۲۶)

سیاستهای اعلام شده از سوی حسنی مبارک دقیقاً در چارچوب طرحهای آمریکا قرار داشته و امام برای مقابله با این توطئه ها به مسلمانان اینگونه هشدار می دادند:

«باید همه مسلمین توجه کنند و به حکومتهای خود ندگر دهند که زیر بار طرحهای آمریکایی که از این به بعد، یکی بعد از دیگری خواهد آمد نروند و بازی نخورند از این شیاطین. اینها می خواهند شما را آلت دست فرار دهند و ذخایر شما را بچاپند. آمریکا نظر سوء به شما دارد... شما می بینید که دولت مصر، دولت غاصب مصر، به صراحت می گوید که ما کسانی که از اسلام اسم می برند سرکوب می کنیم.»

(۶۰/۹/۱۱)

کارنامه دولت مصر در زمان حسنی مبارک بسیار ننگین تر و تأسف آورتر از دوران سلف طالح اش انور سادات می باشد. حسنی مبارک علاوه بر سیاست سرکوب شدید مسلمانان در مصر، خط سازش با اسرائیل و ششماهی و تثبیت رژیم اشغالگر قدس را به صورتی همه جانبه پیگیری کرده و آن را با پشتیبانی آمریکا به دیگر کشورهای عربی نیز صادر نمود. طرح آمریکایی صدور خط سازش با اسرائیل که حسنی مبارک مجری آن بود ضربه ای مهلک بر دیگر دولتها و ملت اسلامی وارد کرده و جهان اسلام را در برابر صهیونیسم تسلیم شده نشان می داد. دولتهای اسلامی با پذیرش این طرح اوج زبونی و ذلت خویش در برابر رژیم اشغالگر قدس را به نمایش می گذاشتند. «مصر» که به جرم هم پیمایی با اسرائیل و شرکت در توطئه کمپ دیوید از سازمان کنفرانسی علیه اصطلاح اسلامی انحراف شده بود و دولتهای اسلامی برای جلوگیری از خشم ملت های خود به ناچار تصمیم بر انزوای مصر گرفته بودند، با یک طرح حساب شده آمریکایی از انزوا خارج گشته و به جامعه عرب باز گردانده شد.

صدام، رئیس رژیم حاکم بر عراق، یکی از پیشگامان در اجرای این طرح بود. امام خمینی با مشاهده این امر، ضمن افشای توطئه مزبور، به دیگر دولتهای عربی منطقه شدیداً اخطار کرده و آنها را از پیاده کردن این طرح اینچنین برحذر داشتند:

«(صدام خائن) امروزه دامان حکومت

سرمبرده آمریکا، بار و همقطار اسرائیل بناه برده و دست ذلت و در بوزگی به جانب دشمنان عرب و اسلام دراز کرده است که نخست او را از این مهلکه مرگبار که خود برای خود تهیه دیده نجات دهند و سپس اذهان را از دشمن بزرگ اسلام و غاصب سرزمینهای آنان منصرف و فرار داد ننگین کمپ دیوید را با برگرداندن حسنی مبارک به جامعه عرب به کسرسی نشاند...

من به دولتهای عربی منطقه هشدار می دهم که با تسلیم شدن در مقابل اینگونه طرحها، علاوه بر قبول اسارت خویش به دست آمریکا و از آن ننگین تر اسرائیل، دشمنی ملت و دولت و قوای مسلح نیرومند ایران را برای همیشه به باری آورد و اگر امروز به دامن اسلام برنگردید، فردا دیر است... دولت مصر واردن اگر عرصه داشتند و در فکر شرف انسانی و عربی بودند خود را از اسارت رژیم صهیونیستی اسرائیل رهایی می بخشیدند نه آنکه در شناسائی اسرائیل کوشش می کردند و با طرح اسارت بار کمپ دیوید رشته های اسارت و ذلت خویش را محکمتر می نمودند و آنان که به خیال خام خود برای مقابله با جمهوری اسلامی در بازگرداندن مصر به جامعه عرب کوشش می کنند، سخت در اشتباه هستند و گور خود را با دست خود که دست جنایتکار آمریکاست می کنند، در صورتیکه پس از پیروزی نهایی که به خواست خداوند پیش از چند قدمی به آن نمائنده است، اگر از کردار غیر اسلامی و غیر عربی خود پشیمان شده و توبه کنند، در این صورت اگر دولتمردان ما هم قبول کنند معلوم نیست ملت ستمدیده و عزیز از دست داده ما قبول کند و در صورت عدم قبول ملت، هیچیک از دولتمردان ایران حق و قدرت هیچگونه کاری را در این زمینه ندارد زیرا در ایران اسلامی، مردم تصمیم گیران نهایی تمامی مسائلمند.»

(۶۱/۳/۶)

اقا وابستگی سران خود فروخته حاکم بر کشورهای مسلمان عرب منطقه به آمریکا مانع از عدم پیگیری طرح آمریکایی بازگرداندن مصر به

جامعه عرب و سران کشورهای اسلامی می شد از همین رو حسنی مبارک با عنوان کردن خطر جمهوری اسلامی ایران و حمایت از عراق در جنگ، سعی در منسب نمودن خطر غده سرطانی اسرائیل غاصب نموده و حمله نظامیان وحشی آمریکایی به لبنان مظلوم را فرعی جلوه می داد. امام ضمن افشای این توطئه، بار دیگر خواهان مقاومت مسلمانان در این زمینه شده و فرمودند:

«دولت مصر با صراحت می گوید این جمهوری اسلامی نباید باشد و با دولت اسرائیل برای کوبیدن اسلام متحد می شود. مصر و اسرائیل با هم پیمان می بندند که بر ضد ایران به کمک عراق بروند، چرا باید کشورهای اسلامی به این وضع باشند که اسرائیل به لبنان حمله کند و آنها بی تفاوت باشند و برخی از آنها با اسرائیل دوستی داشته باشند؟ ما باید به راه خودمان ادامه دهیم و مقاومت کنیم.»

(۶۱/۳/۱۶)

بالاخره طرح آمریکایی بازگرداندن مصر به جرگه اعراب در «کازابلانکا» طی اجلاس کنفرانس به اصطلاح اسلامی به ثمر نرفته و با مصوبه آن کنفرانس انزوای مصر خاتمه یافته تلقی می شود. امام خمینی ضمن ابراز انزجار از این تصمیم، مسأله را اینچنین بیان می نمایند:

«کارگزاران سیاست آمریکا باید طرز تفکر و سیاستهای خود را تغییر دهند و گمان نکنند اداره کل جهان در دست آنهاست و همه کشورها چشم و گوش بسته در اختیار آنان هستند. باید توجه کنند که قطع رابطه و تحریم اقتصادی و لیستهای دروغین آنها، دنیا را بر کشوری تنگ نخواهد کرد. چنانچه وارد نمودن مصر را در سازمان کنفرانس به اصطلاح اسلامی با آن مقدمات و مؤخرات وبست و بند نمودن با حسین و حسن و حسنی، عقده هابی را که از بیداری ملتها و پرخاشگری آنها برای ایران حاصل شده است، حل نخواهد نمود.

عجب نیست که آمریکا و سرسپردگان او برای برگشتن مصر به جرگه اعراب به هردوی می زنند، نأسف آور و عجیب، وضعیت سران

اعراب است... با آنهمه تشریفات نشستند و برخاستند و تمام مشکلات اسلام و مسلمین را خلاصه کردند در برگشت مصر معاهد با اسرائیل به حوزه اعراب.»

(۶۲/۱۱/۲۲)

شاید کسی یا کسانی مدعی شوند که مصر در زمان حسنی مبارک با مصر در زمان سادات تفاوت داشته و به علت همین تفاوت بوده است که اعراب او را به جرگه خویش راه داده و پیاپی این کشور روابط سیاسی اقتصادی تسلیحاتی و فرهنگی برقرار می شود. در پاسخ به اینان جملات امام را یادآور می شویم که در افشای ماهیت رژیم کنونی مصر و سران خود فروخته کشورهای اسلامی که در کنفرانس «کازابلانکا» رأی به پایان انزوای مصر دادند، فرموده اند:

«آن روز مصر را برای قرارداد با صهیونیست خارج کردند و امروز به خاطر تثبیت و شناسائی اسرائیل برگردانده اند.»

آن روز مصر را برای پشت کردن به خواست اعراب خارج کردند و امروز آن را به خاطر بوسیدن دست آمریکا برگردانده اند.

آن روز مصر را برای خیانت به اومان فلسطین خارج کردند و امروز برای امضای دستجمعی آن خیانت آن را برگردانده اند.

و نأسف آورتر و سنگین تر آنکه مصر با کمال بی اعتنائی هیچ شرطی را قبول نکرد و یکی از مقامات بالای قاهره گفت: «سران عرب باید به اشتباه خود اقرار کنند!»... آیا وقت آن نرسیده است که ملت‌های اسلامی از جای خود برخیزند و سردمداران خود را با در مقابل شرف اسلام خاضع کنند و با آنان همچون ایران عمل کنند؟... حکومتها به خود آیند و از گناه بزرگی که در کازابلانکا مرتکب شدند و به شرف اسلام و مسلمانان خصوصاً اعراب تجاوز کردند و برای خود ننگ تاریخی بجای گذاشتند، توبه کنند و بازگشت به خدای قادر قاهر نمایند که مبدا آتش قهراوتر و خشک را بسوزاند...»

(۶۲/۱۱/۲۲)

حسنی مبارک پس از موفقیت در پیاده کردن

مرحله اول طرح آمریکائی شناسائی و تثبیت اسرائیل یعنی بازگشت به جرگه اعراب بود، بلافاصله دولتهای عربی را در جهت ضدیت با ایران به اتحاد فرا خواند. گرچه نفس بازگرداندن مصر به جامعه عرب، حرکتی در مخالفت و ضدیت با ایران اسلامی بود لیکن موضوع در همین مرحله خاتمه نمی یافت. امام خمینی در این رابطه فرمودند:

«اگر قدرتها بر ضد اسلام الآن کمر بسته اند و قدرتهای پوشالی دیگری هم همینطور، اینکه دولت مصر دعوت می کند اعراب را به اینکه: مجتمع بشوید برخلاف ایران، ایران را مقصودش هست؟ ایران خطر است؟ ایران برای آنها خطر است یا اسلام؟ اینکه دعوت می کند اعراب را که مجتمع بشوید یعنی دعوت می کند که همه اجتماع کنند برخلاف اسلام، برای اینکه اسلام را آنها بر ضد منافع خودشان می دانند...»

(۶۳/۲/۲۳)

سخن در باب خیانت‌های بارز و آشکار رژیم مصر به اسلام، مسلمانان، فلسطین و اعراب بسیار فراوان است. آنچه حائز اهمیت است اینکه بتایر رهنمودهای صریح امام خمینی، مسلمانان و دولتهای اسلامی باید «مصر» «حسنی مبارک» را به عنوان رأس هرم توطئه سازش با اسرائیل و شناسائی و تثبیت رژیم اشغالگر قدس منزوی و مطرود ساخته و به مقابله با آن برخیزند. خروج مصر از انزوا خواست آمریکا و اسرائیل است و برای مسلمانان جهان باید شرم آور باشد. به فرمایش امام:

«واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خود فروشی و وطن فروشی نمی شدند.»

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی باشد؟

آیا از مسلمانان کسی نیست تا بیاخیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحنه بر آن همه فجایع صهیونیستها بگذارند و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟»

(۶۷/۴/۲۹)

اگر واقعاً خالصانه بخواهیم خط امام را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی پیگیری نمائیم می‌بایست اقدامات دیپلماتیک فراگیری برای جلوگیری از خروج مصر از انزوا را به انجام رسانده و کشورهای اسلامی را وادار به مقاومت در برابر این طرح آمریکائی و صهیونیستی کنیم و در این مسیر از هیچ چیز هراس به دل راه ندهیم و اقتضایمان باید این باشد که دولت‌های آمریکایی و غاصبی چون حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و حسن مراکشی با ایران اسلامی دشمنی و خصومت داشته باشند مگر نه اینکه امام عظیم الشانان خمینی کبیر (سلام الله علیه) در وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش این امر را افتخاری برای ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان دانستند که:

«ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت‌پیشه دوره گرد و حسن و حسنی مبارک هم آخو با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت

به آمریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملت‌های خود روی گردان نیستند».

(وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی «س»)

حال با توجه به این مواضع مشخص امام در ارتباط با دولت غاصب مصر و تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر تداوم راه و خط امام خمینی (س) بی‌گمان مسئولین سیاست خارجی کشورمان در مورد طرح برقراری رابطه با مصر پرخورد جدی خواهند کرد آیا خیانت و جنایت بزرگ دیگری که حسنی مبارک اخیراً به آن دست زده و با شیطان بزرگ و متحدین جنایتکارش در حمله به مسلمانان عراق و کویت همکاری صمیمانه نموده است و حتی فضاحت‌پارتر اینکه برای هرزگی، عیاشی و خلوشگدرانی مزدوران آمریکایی مستقر در حجاز هزاران زن مصری را در اختیار آنان قرار داده است، کافی نیست که صحت نظرات امام در ارتباط با ماهیت این رژیم بیش از پیش برای ما محرز گردد؟ آیا برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی چون مصر اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی ایران را در بین مسلمانان جهان از بین نمی‌برد؟ بعضی‌ها در توجیه این برقراری ارتباط عنوان می‌کنند که چون ایران از مصر میلیونها دلار طلبکار است لذا لازم بود رابطه‌ای با آن کشور برای استرداد آنها برقرار کنیم. در پاسخ به این مسأله باید یادآور شویم که مسأله مبارزه با اسرائیل و طرد سازشکاران با رژیم اشغالگر قدس

یکی از اصول انقلاب اسلامی است و مردم ما حاضر به اهدای دهها برابر این پولها در جهت کمک به انتفاضة فلسطین و حفظ اصول انقلاب خویش می‌باشند مردم ما نشان داده‌اند که طاقت تحمل سختی و مشقتهای بسیاری را دارند لکن ضربه به اصول انقلاب را تحمل نخواهند کرد.

در پایان قسمت دیگری از یکی از آخرین پیام‌های قبل از رحلت جانگداز امام در ارتباط با سیاست خارجی تذکر داده می‌شود:

«من بار دیگر از مسئولان بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشاء سرمایه‌داری غرب و بوجی و نجاوز کمونیسم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم...»

من باز می‌گویم، همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامیتان به خیال خام خودشان بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست نه از ارتباط با متجاوزان خستود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور. همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید، که اگر آرام گذارید لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند»

(۱۳۶۸/۱/۲)

«والسلام علیکم ورحمة الله»

تخلف برای احدی مجاز نیست

رسول اکرم «ص»:

«ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُحْصَةٌ: الْوَفَاءُ لِمُسْلِمٍ كَأَنْ أَوْ كَافِرٍ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ مُسْلِمِينَ كَأَنْ

(مجموعه ورام، ج ۲ ص ۱۲۱)

أَوْ كَافِرِينَ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ لِمُسْلِمٍ كَأَنْ أَوْ كَافِرٍ».

سه چیز است که احدی مجاز نیست از آن تخلف و سرپیچی نماید. اول وفاء بعهده، خواه طرف پیمان مسلمان باشد یا کافر. دوم نیکی به پدر و مادر، خواه مسلمان باشند یا غیرمسلمان. سوم اداء امانت، خواه صاحب امانت مسلم باشد یا کافر.